

A Study of the Role of Identity Acts in Political Engagement of Iranian Women

Azam Dastoori¹ Fariba Shayegan² Alireza Mohseni Tabrizi³

1. PhD., Student, Political Sociology, Sciences and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. azam.dastori11@gmail.com

2. Professor, Department of Social Sciences, Imam Hassan Mojtabi Police Training and Officer University, Tehran, Iran (Corresponding author). Shayegan_fa@yahoo.com.

3. Professor, Department of Sociology, University of Tehran, Tehran, Iran. mohsenit@ut.ac.ir



Abstract

One crucial aspect of political development is social participation, particularly the involvement of women in politics. The objective of this research is to address the following fundamental question: What are the indicators and roles of identity-related actions in women's political engagement? The research is based on the hypothesis that women's participation in elections is significantly linked to the structural and identity frameworks of Iranian women. To investigate this, a mixed-method approach was utilized, and the findings were analyzed using regression analysis and step-by-step processes involving individual, identity, and structural variables. The results reveal that women's political engagement has increased following the Islamic Revolution. Political participation during this period indicates a significant correlation

* Dastoori, A.; Shayegan, F.; Mohseni Tabrizi, A. R. (2023). A Study of the Role of Identity Acts in Political Engagement of Iranian Women. *Journal of Political Science*, 26(101), pp.188-217.
<https://doi.org/10.22081/psq.2023.64060.2659>

* **Publisher:** Baqir al-Olum University, Qom, Iran.

* **Type of article:** Research Article

Received: 2022/05/27 • **Revised:** 2022/07/18 • **Accepted:** 2022/07/20 • **Published online:** 2022/07/21

© The Authors



between female identity frameworks and their involvement in politics. Out of the 14 variables examined, the most influential factors on political identity, and subsequently political engagement, were individual identity, gender identity, future orientation, and age.

Keywords

Political development, identity act, political engagement, elections, women, Iran.



تقصي دور فعل الهوية في المشاركة السياسية للمرأة الإيرانية*

أعظم دستوري^١ فريبا شايغان^٢ عليرضا محسنی تبریزی^٣

١. طالبة دكتوراه سوسولوجيا سياسية، جامعة آزاد الإسلامية (فرع العلوم والدراسات)، طهران، إيران.

azam.dastori11@gmail.com

٢. أستاذ بقسم العلوم الاجتماعية، جامعة أمين للشرطة، طهران، إيران (الكاتب المسؤول). Shayegan_fa@yahoo.com

٣. أستاذ بقسم السوسولوجيا، جامعة طهران، طهران، إيران. mohsenit@ut.ac.ir



الملخص

تعد المشاركة الاجتماعية، ولا سيما المشاركة السياسية للمرأة، من أبعاد التنمية السياسية. وفي هذا الصدد، فإن الهدف من البحث الراهن هو الإجابة على سؤال أساسي هو «ما هي علامات ووظائف أفعال الهوية في المشاركة السياسية للمرأة؟». يستند البحث إلى فرضية أن «مشاركة المرأة في الانتخابات ذات علاقة معتد بها بالتشكيلات الهيكلية وكذا تشكيلات الهوية للمرأة الإيرانية». تم في هذا البحث استخدام المنهج المختلط كما تم تحليل النتائج باستخدام طريقة الانحدار وعمليات الخطوة بخطوة بين المتغيرات الفردية ومتغيرات الهوية والمتغيرات الهيكلية. تشير النتائج إلى أنه في فترة ما بعد الثورة الإسلامية ازدادت المشاركة السياسية للمرأة. وتشير المشاركة السياسية في هذه الفترة إلى وجود علاقة ذات دلالة إحصائية بين أشكال هوية المرأة ومشاركتها السياسية. من بين المتغيرات الـ ١٤ التي تم فحصها فإن للمتغيرات الأربعة: متغير الهوية الشخصية ومتغير الهوية الجنسية ومتغير البعد المستقبلي ومتغير العمر، التأثير الأكبر على الهوية السياسية، وبالتالي على المشاركة السياسية.

كلمات مفتاحية

التنمية السياسية، فعل الهوية، المشاركة السياسية، الانتخابات، المرأة، إيران.

* دستوري، أعظم؛ شايغان، فريبا و محسنی تبریزی، عليرضا. (٢٠٢٣). تقصي دور فعل الهوية في المشاركة السياسية للمرأة الإيرانية. فصيلة علمية محكمة علوم سياسي، ٢٦(١٠١)، صص ١٨٨-٢١٧.

<https://Doi.org/10.22081/psq.2023.64060.2659>

بررسی نقش کنش هویتی در مشارکت سیاسی زنان ایران*

اعظم دستوری^۱ فریبا شایگان^۲ علیرضا محسنی تبریزی^۳

۱. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

azam.dastori11@gmail.com

۲. استاد گروه علوم اجتماعی دانشگاه انتظامی امین، تهران، ایران (نویسنده مسئول). Shayegan_fa@yahoo.com

۳. استاد گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تهران، تهران، ایران. mohsenit@ut.ac.ir

چکیده

یکی از ابعاد توسعه‌ی سیاسی، مشارکت اجتماعی به ویژه مشارکت سیاسی زنان است. در این راستا، هدف پژوهش حاضر پاسخ به این پرسش اساسی است که «کنش‌های هویتی در مشارکت سیاسی زنان، دارای چه نشانه‌ها و کارکردی است؟» پژوهش بر این فرضیه استوار است که «مشارکت انتخاباتی زنان، رابطه‌ی معناداری با شکل‌بندی‌های ساختاری و هویتی زنان ایرانی دارد». در این پژوهش، از روش آمیخته استفاده شده و تحلیل یافته‌ها با استفاده از روش رگرسیون و فرآیندهای گام‌به‌گام بین متغیرهای فردی، هویتی و ساختاری انجام شده است. نتایج حاکی از آن است که در فضای پسانقلاب اسلامی، میزان مشارکت سیاسی زنان افزایش یافته است. مشارکت سیاسی در این دوره حاکی از آن است که میان قالب‌های هویتی زنانه و میزان مشارکت سیاسی آنها، ارتباط معناداری وجود دارد. از میان ۱۴ متغیر بررسی شده، چهار متغیر هویت فردی، متغیر هویت جنسی، متغیر بُعد آینده و متغیر سن، بیش‌ترین میزان اثرگذاری بر هویت سیاسی و به تبع آن، بر مشارکت سیاسی را در پی داشته است.

کلیدواژه‌ها

توسعه‌ی سیاسی، کنش هویتی، مشارکت سیاسی، انتخابات، زنان، ایران.

* **استناد به این مقاله:** دستوری، اعظم؛ شایگان، فریبا؛ محسنی تبریزی، علیرضا. (۱۴۰۲). بررسی نقش کنش هویتی

در مشارکت سیاسی زنان ایران. فصلنامه علمی - پژوهشی علوم سیاسی، ۲۶(۱۰۱)، صص ۱۸۸-۲۱۷.

<https://doi.org/10.22081/psq.2023.64060.2659>

□ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: دانشگاه باقرالعلوم (ع) قم، ایران؛ © نویسندگان

□ تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۰۶؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۱/۰۴/۲۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۲۹؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۱/۰۴/۳۰



مقدمه

موضوع مشارکت سیاسی و انتخاباتی زنان در جامعه‌ی ایران از این جهت اهمیت دارد که به مثابه‌ی زمینه‌ای است برای کنش اجتماعی زنان. هرگونه کنش اجتماعی، زیرساخت‌های لازم برای نقش‌یابی زنانی را به وجود می‌آورد که از انگیزه‌ی لازم برای پیگیری اهداف و موضوعات سیاسی برخوردارند. مشارکت سیاسی متعادل بین زنان و مردان در جامعه، باعث می‌شود که زنان هم بتوانند صدای خود و ترجیحات سیاسی خود را بیان کنند.

یکی از نشانگان اصلی توسعه‌ی سیاسی، مشارکت انتخاباتی زنان و حضور فعال آنان در فضای رقابت‌های انتخاباتی است. مشارکت انتخاباتی زنان، رابطه‌ی مستقیم با شکل‌بندی‌های توسعه‌ی سیاسی و هویت اجتماعی زنان دارد. در این ارتباط نظریه‌پردازانی همانند «لاولر» تلاش دارند تا رابطه‌ی مستقیم بین توسعه‌ی اجتماعی، مشارکت سیاسی و همچنین شکل‌بندی کنش انتخاباتی زنان را منعکس سازند. نظریه‌پردازانی همانند «جیمز کلین»، موضوع توسعه‌ی سیاسی و مشارکت اجتماعی را مورد بررسی قرار داده‌اند به همان گونه‌ای که نظریه‌پردازان دیگری همانند «ترنر»، «مارشال» و «آدامز» تلاش دارند تا موضوع مربوط به متغیرهای فردی، ساختاری و اجتماعی را به‌عنوان محور اصلی مشارکت سیاسی و انتخاباتی زنان مورد بررسی قرار دهند. هویت انتخاباتی زنان ایرانی عموماً تحت تأثیر ساختار اجتماعی، خانوادگی و جهت‌گیری ساخت سیاسی بوده است (لاولر، ۱۳۹۸، ص ۶۳).

هویت زنانه در شرایطی شکل می‌گیرد و تأثیر خود را در فضای اجتماعی به‌جا می‌گذارد که از قابلیت لازم برای تحرک عمومی برخوردار باشد. هویت فردی در فضای جهان اجتماعی شده، می‌تواند زمینه‌ی تحرک بازیگرانی را به وجود آورد که از قابلیت لازم برای اثربخشی اجتماعی برخوردارند. اجتماع، یکی از بسترهایی است که در شکل‌گیری هویت اجتماعی و بازتولید آن نقشی اساسی ایفا می‌کند. ساختار سیاسی در زمره عوامل دیگری است که مشارکت سیاسی در ایران را شکل می‌دهد.

تحلیل فرآیند مشارکت سیاسی زنان در ایران، ارتباط مستقیمی با شکل‌بندی هویتی

آنان دارد؛ می‌توان بین توسعه‌ی اجتماعی، مشارکت انتخاباتی و هویت زنان، رابطه‌ی متفاوت و درهم‌تنیده‌ای برقرار نمود. هرگونه هویتی که فرد کسب می‌کند، متناسب با همان جبرهایی شکل می‌گیرد که محیط اجتماعی قادر به اعمال آن است، بنابراین از ورای این جبرهای سست یا نیرومند است که فرد با بهره‌گیری از رابطه‌ی متقابل میان عناصر هویتی، از مصالح موجود برای ساخت هویت اجتماعی خود استفاده می‌کند (لفت‌ویچ، ۱۳۸۵، ص ۹۳).

در تحلیل نقش دولت‌های توسعه‌گرا لازم است تا بین توسعه‌ی سیاسی، مشارکت انتخاباتی و هویت گروه‌های اجتماعی از جمله زنان، رابطه‌ی درهم‌تنیده برقرار شود. علاوه بر ساختار، مفهوم هویت نیز در شکل‌بندی‌های توسعه‌ی سیاسی و مشارکت انتخاباتی زنان نقش مؤثر و تعیین‌کننده‌ای خواهد داشت. هویت جنسیتی چیزی فراتر از موقعیت‌های جسمانی است که در قالب نقش جنسیتی شکل می‌گیرد. مهم‌تر بودن تعریف هویت جنسیتی نسبت به تعریف هویت در ارتباط با زنان به این برمی‌گردد که انسان‌شناسان هر چه که می‌توان از نوعی یکسان و همگن از زن بودگی و یا مرد بودگی سخن گفت، را به زیر سوال برده‌اند (دلفروز، ۱۳۹۳، ص ۷۵).

مشارکت سیاسی و انتخاباتی زنان در ایران به همان گونه‌ای که ماهیت ساختاری دارد، دارای قالب‌های هویتی نیز می‌باشد. هویت به سطوح مختلفی مانند هویت فردی، هویت اجتماعی، هویت نقشی، و هویت گروهی تقسیم می‌شود. هویت جنسی یکی از این هویت‌هایی است که در دسته‌ی هویت اجتماعی قرار می‌گیرد. توجه به هویت فردی و هویت اجتماعی زنان، مورد توجه این پژوهش می‌باشد.

پایگاه زنان در جامعه‌ی ایران در چند دهه‌ی اخیر تحولاتی را تجربه کرده است. بررسی‌های انجام‌شده بیان‌گر این واقعیت است که کم‌تر پژوهشی در ایران به این موضوع پرداخته و بنابراین در این پژوهش تلاش می‌شود تا رابطه‌ی بین توسعه‌ی اجتماعی، مشارکت سیاسی و انتخاباتی زنان، و هویت زنانه مورد بررسی قرار گیرد. هدف اصلی پژوهش آن است که اولاً شاخص‌های توسعه‌ی سیاسی و اجتماعی زنان در ایران مورد بررسی قرار گیرد. ثانیاً نشان داده شود که مشارکت انتخاباتی زنان در

سال‌های بعد از انقلاب اسلامی افزایش یافته است و در نهایت این که بخشی از مشارکت انتخاباتی زنان ماهیت هویتی پیدا کرده است.

۱. پیشینه‌ی تحقیق

محور اصلی مقاله را موضوع توسعه‌ی سیاسی، کنش هویتی و مشارکت انتخاباتی زنان تشکیل می‌دهد. هر یک از نظریه‌پردازان موضوع اجتماعی در ایران، تلاش داشته‌اند تا رابطه‌ی درهم‌تنیده‌ی بین هویت، مشارکت و نقش انتخاباتی زنان را بررسی نمایند. بسیاری از پژوهش‌های انجام شده بیان‌گر این واقعیت است که هویت، ساختار اجتماعی و قواعد موجود در ساختار سیاسی، نقش مؤثری در شکل‌بندی‌های رقابت انتخاباتی و کنش سیاسی زنان داشته است. نوآوری این پژوهش ارتباطی مستقیم به چگونگی رابطه بین توسعه‌ی سیاسی، هویت زنانه و مشارکت انتخاباتی زنان دارد.

نتایج پژوهش حاضر مؤید یافته‌های جهانی در رابطه با علاقه‌مندی سیاسی زنان در مقایسه با مردان است و نشان می‌دهد که زنان اعم از این که در دانشگاه‌های مختلط یا غیرمختلط باشند، علاقه‌مندی سیاسی کم‌تری در مقایسه با مردان دارند و فعالیت سیاسی آنان، کمتر از مردان، جنبه‌ی فعالانه دارد.

مطالعات انجام شده توسط خانم چابکی در پژوهشی با عنوان «جنسیت و مشارکت سیاسی، بررسی مقایسه‌ای مشارکت سیاسی دانشجویان دختر و پسر در تهران به روش توصیفی - مقایسه‌ای» بیان‌گر این نکته است که بینش سیاسی زنان بیش از مردان تحت تأثیر خانواده شکل می‌گیرد. زنان دیرتر از مردان توجه به مسائل سیاسی را آغاز می‌کنند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که شغل پدر و مادر و نیز تحصیلات پدر و مادر، رابطه‌ی آماری معنی‌دار و مثبتی به علاقه‌مندی سیاسی دختران دارد. از سوی دیگر، متغیرهای ازدواج و مقطع تحصیلی، تفاوت معنی‌داری در رابطه با علاقه‌مندی سیاسی دو گروه آزمودنی نشان نمی‌دهد (چابکی، ۱۳۸۱، ص ۴۵).

لهستانی‌زاده و باور، در تحقیقی به بررسی نگرش دانشجویان نسبت به مشارکت سیاسی زنان پرداخته‌اند. بررسی تأثیر عوامل مربوط به وضعیت اقتصادی - اجتماعی

دانشجویان و همچنین تأثیر تفاوت‌های فردی بر نگرش آنها نسبت به مشارکت سیاسی زنان در جامعه، هدف این تحقیق بود. در تحلیل نتایج آمده است که دانشجویان جوان‌تر، نگرش مثبت‌تری نسبت به فعالیت زنان در امر سیاست دارند. بین جنس و نگرش نسبت به مشارکت سیاسی زنان، رابطه‌ی معناداری وجود داشته است. دانشجویان متأهل در مقایسه با دانشجویان مجرد، چه زن و چه مرد، موافقت کم‌تری با مشارکت سیاسی زنان دارند (لهسانی‌زاده و باور، ۱۳۸۱، ص ۲۸).

هما زنجانی‌زاده هم در تحقیقی، به موضوع مشارکت سیاسی زنان و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن پرداخته است. محقق در تحلیل نتایج بیان می‌کند که میزان مشارکت سیاسی در بین نمونه‌ی آماری در حد متوسط بوده است. متغیرهایی چون وضعیت اشتغال، وضعیت تأهل، الگوی سکونت، سن، ارزیابی فرد از عدالت توزیعی نظام سیاسی و رشته‌ی تحصیلی، رابطه‌ی معناداری با میزان مشارکت سیاسی نداشتند؛ متغیرهای نگرش فرد به سیاست، اهمیت نظر دیگران در مورد مشارکت سیاسی، ارزیابی فرد از دانش سیاسی خود، میزان اطلاعات سیاسی، میزان رضایت از نظام سیاسی، اثربخشی سیاسی، وجهه‌ی نظر نظام نسبت به مشارکت، تأمین رضایت بدون مشارکت، ارزیابی فایده، نیاز قدرت و جنسیت، دارای هم‌بستگی معنی‌داری با میزان مشارکت سیاسی بودند (زنجانی‌زاده، ۱۳۸۱، ص ۷۵).

موحد در تحقیقی با عنوان «مشارکت سیاسی زنان و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن» انجام داده است به بررسی میزان تمایل به مشارکت سیاسی زنان پاسخ‌گو از یک سو و بررسی میزان تحصیلات، نوع اشتغال و طبقه‌ی اجتماعی پاسخ‌گویان با میزان تمایل به مشارکت سیاسی از سوی دیگر پرداخته است؛ در یک نمونه‌گیری تصادفی، ۲۱۸ نفر از زنان شاغل و خانه‌دار در شهرستان بندرعباس به عنوان افراد مورد مطالعه‌ی تحقیق انتخاب شده‌اند. یافته‌ی پژوهش، نشان‌گر تمایل زیاد زنان ایرانی به مشارکت سیاسی حتی در مناطق محروم کشور مانند بندرعباس است. در عین حال، میزان مشارکت زنان پاسخ‌گو برحسب میزان تحصیلات، نوع اشتغال و طبقه‌ی اجتماعی‌شان تفاوت معنی‌دار دارد. بدین صورت که با بالا رفتن سطح تحصیلات و در مقابل، اشتغال در مشاغلی که

نیازمند سطوح بالای تحصیلی است، سطح مشارکت زنان افزایش یافته و بیشترین میزان مشارکت سیاسی در میان زنان طبقه‌ی متوسط دیده شده است (موجد، ۱۳۸۲، ص ۷۵).

محمدی اصل در تحقیقی با عنوان «جنسیت و مشارکت»، مشارکت سیاسی زنان را مورد ارزیابی قرار داده است. مسأله‌ی عمده‌ی وی این بوده که نظام قدرت با مشارکت زنان ایرانی در حیطه‌های گوناگون اجتماعی چه مناسباتی به هم می‌رساند و به عبارتی، قدرت حاکمه‌ی ملی چگونه از مشارکت اجتماعی زنان در تعامل با مطالبات بین‌المللی قدرت سود برمی‌گیرد؟

پاسخ وی این است که مشارکت اجتماعی زنان در چنین جامعه‌ای نه با فراغ بال و بر حسب دسترسی برابر به فرصت‌ها و امکانات اجتماعی، بلکه به واسطه‌ی کنترل قانون‌مند فرایند بازتولید نظم مردسالارانه، به کندی و بی‌حرارتی می‌گراید و بر این اساس جنس زن به ابزاری در دست نظام سیاسی مردسالارانه تبدیل می‌شود تا این جناح زنانه به شکلی کاملاً دست‌آموز و رام و با طیب‌خاطری برآمده از شرطی‌سازی‌های عمیق ایدئولوژیک، صرفاً منویات مردانه‌ی نظام سیاسی- اجتماعی جامعه‌ی ایران و فرهنگ مردسالار آن‌را، در قرن بیست و یکم تحقق بخشد (محمدی اصل، ۱۳۸۲، ص ۹۲).

ساروخانی و رفعت‌جاه در تحقیقی، عوامل جامعه‌شناختی مؤثر در بازتعریف هویت اجتماعی زنان را مورد بررسی قرار داده‌اند. آنها با استفاده از دو روش پیمایشی و مصاحبه‌ی عمیق، به بررسی موضوع پرداخته‌اند. نتایج تحقیق آنها نشان داد که موقعیت ساختاری در مقایسه با هویت شخصی، تاثیر بیش‌تری در بازتعریف هویت اجتماعی زنان و مقاومت آنها در برابر کلیشه‌های جنسیتی داشته است و تأثیر تحصیلات در بازتعریف هویت اجتماعی زنان، بیش‌تر از اشتغال بوده است. زنان مذهبی دارای تحصیلات دانشگاهی، دچار عدم انسجام هویتی هستند (ساروخانی و رفعت‌جاه، ۱۳۸۳، ص ۹۵).

پناهی و بنی فاطمه، فرهنگ سیاسی و مشارکت سیاسی زنان را مورد بررسی قرار داده‌اند. آنها با انتخاب نمونه‌ای ۳۸۵ نفری از زنان بالای ۲۰ سال شهر یزد، به بررسی این موضوع پرداختند. در تحلیل نتایج، آنها می‌گویند که فرهنگ سیاسی زنان بر روی مشارکت سیاسی تأثیر‌گذار بوده است. همه‌ی مؤلفه‌های فرهنگی سیاسی، شامل نگرش

نسبت به نظام سیاسی، نخبگان سیاسی حاکم، دانش (تجهیز) سیاسی، نگرش زنان نسبت به توانمندی سیاسی خود و هنجارمند دانستن مشارکت سیاسی زنان، با مشارکت سیاسی آنان رابطه‌ی معنی‌دار و مثبت نشان داده‌اند (پناهی و حسینی، ۱۳۹۴، ص ۶۱).

۲. هویت و مشارکت سیاسی زنان در رقابت‌های انتخاباتی ایران

عوامل و موضوعات هویتی، نقش تعیین‌کننده‌ای در فضای رقابت‌های سیاسی و مشارکت عمومی زنان در جامعه‌ی ایرانی دارد. برخی از نظریه‌پردازان به این موضوع اشاره دارند که هویت، پیش از تحولات حاصل از جهانی‌شدن فرهنگی، و در جامعه‌ای سنتی، عمدتاً منفعلانه و مبتنی بر عوامل انتسابی به‌ویژه جنسیت بوده و با معیارهای سنت و نهادهای اجتماعی، دینی و سیاسی که نظام‌های معنایی مشخصی را تولید می‌کردند، شکل می‌گرفته است. در این میان، ایران، که در زمره‌ی کشورهای در حال‌گذار محسوب می‌شود، از این تحولات متأثر شده است. یکی از ویژگی‌های اصلی کشورهای در حال‌گذار را می‌توان تحرک اجتماعی و سیاسی شهروندان در قالب کنش هویتی دانست. تحولات سیاسی و اجتماعی ایران در سال‌های بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، چه در زمینه‌های فرهنگی و چه در عرصه‌های ساختاری و گسترش نوگرایی در عرصه‌ی جهانی، به تعدد و تنوع و گاه تعارض منابع هویت‌ساز و بحران هویت در میان بسیاری از اقشار، از جمله زنان منجر شده است (ساروخانی و رفعت‌جاه، ۱۳۸۳).

در این بخش تلاش می‌شود به رابطه‌ی هویت و مشارکت سیاسی زنان در رقابت‌های انتخاباتی ایران اشاره شود. بدین منظور ابتدا بحثی مقدماتی پیرامون متغیر هویت و مشارکت سیاسی مطرح می‌شود تا نشان داده شود که چگونه هویت بر مشارکت سیاسی مؤثر است و به‌عنوان عنصر قوام‌بخش آن مطرح می‌شود. در قسمت دوم، بحثی با عنوان تبارشناسی هویت و مشارکت سیاسی زنان در ایران تقدیم می‌شود تا بتوان یک تصویر روشن از فرایند تاریخی رابطه‌ی دو مفهوم هویت و مشارکت زنانه به دست داد و سیر تطور آن را ترسیم نمود.

۱-۲. هویت، عنصر قوام‌بخش مشارکت سیاسی

همواره بین هویت و مشارکت سیاسی ارتباط مستقیم وجود دارد. به هر میزان گروه‌های اجتماعی در فضای کنش اجتماعی بیش‌تری قرار گیرند، از آمادگی فراگیرتری برای مشارکت انتخاباتی برخوردار خواهند بود. فردی که هویت اجتماعی او تثبیت شده و احساس مسئولیت شهروندی نموده است، خود را در قبال مسائل اجتماعی مسئول می‌داند و با پرهیز از رفتارهای نابهنجار و رعایت حدود و مقررات جامعه، در بهبود روابط اجتماعی خود با اعضای جامعه تلاش می‌نماید. هویت، عامل اصلی کنش اجتماعی و جهت‌گیری شهروندان است. هویت، شرط لازم زندگی اجتماعی و از نیازهای روانی و اجتماعی کنش‌گران و پیش‌نیاز هرگونه زندگی اجتماعی است. زندگی اجتماعی انسان بدون وجود چارچوبی مشخص از هویت فردی و اجتماعی که به وسیله آن بدانیم که دیگران کیست‌اند و خودمان کیستیم، غیر قابل تصور است (عجم‌اوغلو و رایسون، ۱۳۹۲، ص ۷۵). این مقوله در مورد مشارکت انتخاباتی نیز مصداق پیدا می‌کند و قابل تعمیم است. به دیگر بیان، کنش هویتی، با مشارکت انتخاباتی شهروندان رابطه‌ی مستقیم و درهم‌تنیده‌ای دارد.

ایران نیز هم‌چون بسیاری از کشورهای در حال گذار، تحت تأثیر جهانی‌شدن فرهنگی، تغییراتی یافته است. این تغییرات، هویت ایرانیان را از ساختار ساده با محوریت ایرانی بودن، به ساختار پیچیده و ترکیبی با عناصر اسلامی-ایرانی و مدرن تغییر داده است. بنابراین ایرانیان، هم مسلمان هستند و هم جهانی، در عین حال که هم دینی‌اند و هم مدرن. ایران دارای لایه‌های فرهنگی مختلف و متشکل از خرده‌فرهنگ‌های قومی، مذهبی و دینی گوناگون است (خواجه‌نوری و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۷۳). این تطور هویتی موجب می‌شود که ادارک ذهنی نسبت به مقوله‌های اجتماعی و سیاسی تغییر کند و نوع کنش متفاوت سیاسی-اجتماعی را به نمایش درآید. این امر به‌ویژه در مورد زنان، جلوه و نمود بسیار متفاوت‌تری پیدا می‌کند.

«کاستلز» شرح دقیقی از این تطور و تأثیر آن بر زنان ارائه می‌دهد. او معتقد است که ساخت اجتماعی هویت، همواره در بستر روابط قدرت صورت می‌پذیرد. کاستلز بین سه

صورت و منشاء بر ساختن هویت تمایز قائل می‌شود: هویت مشروعیت‌بخش که توسط نهادهای غالب جامعه ایجاد می‌شود تا سلطه‌ی آنها را بر کنش‌گران اجتماعی گسترش دهد و عقلانی کند؛ هویت مقاومت که به دست کنش‌گرانی ایجاد می‌شود که در اوضاع و احوال و شرایطی قرار دارند که از طرف منطق سلطه بی‌ارزش دانسته می‌شود. بخش قابل توجهی از کنش بر اساس هویت مقاومت، عموماً متضاد با اصول مورد حمایت نهادهای جامعه است؛ سومین نوع آن، یعنی هویت برنامه‌دار که کنش‌گران از طریق مواد و مصالح فرهنگی قابل دسترسی، هویت جدیدی می‌سازند که موقعیت آنان را در جامعه از نو تعریف می‌کند. نکته‌ی مهم در این بحث مصداقی است که وی به این نوع از هویت مربوط می‌داند، یعنی فمینیسم؛ «فمینیسم از سنگرهای مقاومت و دفاع از هویت و حقوق زنان خارج می‌شود تا پدرسالاری را به چالش بخواند، یعنی: خانواده‌ی پدرسالار، کل ساختار تولید و بازتولید جنسیت و شخصیت» (کاستلز، ۱۳۸۴، ص ۲۴).

مشارکت سیاسی زنان را می‌توان حاصل دوران مدرنیته دانست. مدرنیته، محور اصلی تحول ساخت اجتماعی و راهبردی جامعه‌ای محسوب می‌شود که از قابلیت لازم برای اثربخشی در محیط عمومی برخوردار است. ارتقاء نقش و حقوق اجتماعی زنان، زمینه‌ی لازم برای هویت زنانه را فراهم آورده و این امر به گونه‌ای تدریجی، منجر به مشارکت اجتماعی و در نهایت ارتقاء مشارکت سیاسی شده است. مدرنیته را می‌توان محور اصلی حمایت ساختاری در کنش مشارکتی و انتخاباتی زنان دانست.

مدرنیته به حوزه‌های مختلفی از جمله فلسفه، ادبیات و هنر وارد شده است. می‌توان از ویژگی‌های اصلی مدرنیته، به رمزگشایی رفتار، جایگزین شدن آزادی به جای اصول اخلاقی، و اومانیزم به این معنا که انسان منبع معنی و ارزش است و طبیعت فقط از آن جهت که برای انسان مفید است، ارزش دارد، اشاره کرد. عقلانیت به‌عنوان دومین نشانه‌ی نظم مدرن به این موضوع اشاره دارد که انسان، قدرت تعقل دارد، اعم از عقل نظری و عملی؛ و از اصول قواعد جهانی و عام به سمت اصول و قواعد خاص حرکت می‌کند. سومین موضوع نظم مدرن را اخلاق‌گرایی سکولار شکل داده است و فردگرایی متدلوزیک است.

اما مسئله‌ی هویت در دوران مدرن از مباحث جدی منتقدان محسوب و از محورهای نقادی آنان به‌شمار می‌آید، چرا که توزیع نقش‌های فرهنگی و اجتماعی مردانه در دوران مدرنیته بحران‌هایی را در هویت جنسی پدید آورد و بحران پدیدآمده، در مقوله‌ی هویت، جلوه‌های مختلفی در حوزه‌های فرهنگی، علمی، اجتماعی، شغلی و سیاسی از خود نمایان ساخت. تبعیض‌گرایی بین زن و مرد که در دوران مدرن رواج یافت موجب شد که از فضای درون مدرنیسم حاکم، جریانات اعاده‌ی حقوق برابر برای زنان و احیای نقش‌های لازم اجتماعی برای آنان تحت عنوان فمینیسم ظهور پیدا کند.

مسئله‌ی اساسی این است که چطور مدرنیسم به سمتی حرکت کرد که هویت واقعی زنان را نادیده انگاشت؟ با جست‌وجو در مبانی معرفت‌شناختی حاکم بر دوران مدرن می‌توان گفت که روند معرفت‌شناختی مبتنی بر بنیادگرایی و عینیت‌گرایی، پاسخ این موضوع است. به این معنی که آن‌چه که عینیت‌پذیری آن بیش‌تر باشد، ارجحیت و اعتبار بیش‌تری دارد. بنابراین تأکید بر بنیادهای ثابت و ویژگی‌های متأثر از آن همچون طبیعت ثابت و متفاوت زن و مرد به تدریج این ایده و تصور را پدید آورد که آثار و خدمات مردان در جامعه از عینیت و ظهور بیش‌تری برخوردار است.

یکی از رویکردهایی که تحت تأثیر روند پست‌مدرنیستی قرار داشته و به هویت زن و مسائل مربوط به آن بسیار توجه نموده است، رویکرد فمینیستی به هویت زنان است. به عبارت دیگر، امروزه فمینیسم را می‌توان یک رویکرد پست‌مدرنیستی هویت زنان دانست، چرا که فمینیست‌ها نیز در تحلیل‌های خود پیرامون هویت زنان به مفاهیمی تأکید دارند که پست‌مدرن‌ها به آن توجه داشته‌اند. از نظر پست‌مدرنیسم، عینیت را باید به‌عنوان یک امر شکل‌یافته و سیاست را نوعی خلاقیت دانست؛ در این صورت، عینیت یک امر بنیادین و سیاست نوعی حقیقت ثابت تلقی نخواهد شد. بنابراین هویت از منظر آنان امری تاریخی و زمینه‌ای است و نه امری پیشینی (کاستلز، ۱۳۸۴، ص ۷۳).

نکته‌ی دیگر در باب مشارکت انتخاباتی این است که مشارکت انتخاباتی می‌تواند

زمینه‌ی لازم برای کنش انتقادی را به وجود آورد. کنش انتقادی و هویت را می‌توان در مبانی تفکر «یورگن هابرماس» جستجو نمود. هابرماس درصدد برآمد تا مدرنیته را با قالب‌های کنش سیاسی و اجتماعی پیوند دهد. هویت در جامعه‌ی مدرن، فرآیندهای برساختن هویت را در دوره‌ی مذکور زیر سؤال می‌برد و شکل‌های جدیدی از تغییر اجتماعی را خلق می‌کند. کنش ارتباطی در نگرش هابرماس، نه تنها قالب‌های هویتی را منعکس می‌سازد، بلکه هدف والاتری را تعقیب می‌کند که مقصد آن نیل به تفاهم دوطرفه از طریق تقویت ارتباط است، تقابل کنش ارتباطی با کنش متقابل به کار میسر نیست. وی ارتباط تحریف‌شده‌ی متکی بر اجبار و سرکوب را مورد انتقاد قرار می‌دهد و این موضوع را هم در سطح ساختاری و کلان و هم در بعد فردی مربوط به کنش‌گر مورد تحلیل قرار می‌دهد و میان روانکاوی و نظریه‌ی انتقادی تفاوت قائل است (Habermas, ۱۹۹۱).

بنابراین می‌توان گفت که هرگونه قالب هویتی، بیان‌گر نشانه‌هایی از کنش سیاسی شهروندان به ویژه زنان خواهد بود. این قالب‌های جدید متأثر از جهان در حال گذار، در جوامع سنتی به خوبی خود را در مشارکت‌های سیاسی، مشارکت انتخاباتی و یا حتی کنش‌های انتقادی نمایان می‌سازد، تا رابطه‌ی قوام‌بخشی دو متغیر را به خوبی اثبات نماید.

۳. هویت زنانه، متغیر کانونی مؤثر بر تحول مشارکت سیاسی زنان در ایران

محور اصلی مشارکت سیاسی و انتخاباتی زنان در ایران را هویت زنانه تشکیل می‌دهد. نابرابری را می‌توان براساس ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی، قومی، جنسیتی و در محیط‌های شهری و یا روستایی و یا به شکل تطبیقی مورد مطالعه قرار داد. بررسی دیدگاه‌های مختلف علوم اجتماعی نشان می‌دهد که جامعه به طور روزافزون نیازمند ادغام دانش درباره‌ی نابرابری به مثابه‌ی یک مسئله‌ی اجتماعی است. مشاهدات تجربی رفتار انسان‌ها، نشان داده است که انسان‌ها تنها به وضعیت معیشتی خود نگاه نمی‌کنند، بلکه پیوسته وضعیت خود را با وضعیت دیگران مقایسه می‌کنند (ابونوری، مفتاح و پرهیزی،

۱۳۸۹، ص ۲۵). همین مقوله را می‌توان به رفتارهای سیاسی نیز تعمیم داد. یعنی انسان‌ها همواره نوع حاکمیت سیاسی، میزان مشارکت سیاسی، آزادی‌های سیاسی و... جامعه‌ی خود را با دیگر جوامع مقایسه و تطبیق می‌دهند و انتظارات جدیدی را بر اساس آن به حاکمیت سیاسی منتقل می‌کنند. این وضعیت، نقطه‌ی شروع ایجاد احساس نابرابری و تلاش برای تغییر آن است.

در این فرآیند، برخی، بر شاخص‌هایی تأکید دارند که می‌کوشد میزان نابرابری را در یک مفهوم عینی اندازه‌گیری کند. این اندازه‌گیری با استفاده از شاخص‌های آماری تغییر نسبی درآمد، مانند واریانس و ضریب جینی صورت می‌گیرد. گروه دوم بر شاخص‌هایی تأکید دارند که نابرابری را بر حسب مفهوم هنجاری از رفاه اجتماعی اندازه می‌گیرد؛ در این شرایط، درجه‌ی نابرابری، بیش‌تر منعکس‌کننده‌ی سطح پایین‌تر رفاه اجتماعی برای سطح معینی از درآمد کل است. شاخص‌های «اتکینسون» و «تایل» در این دسته قرار می‌گیرند (راغفر و دیگران، ۱۳۹۱، ص ۴۰). نابرابری پیش از شروع تولید، آغاز می‌شود؛ به عبارت دیگر، این نابرابری است که تولید را تحت تأثیر قرار می‌دهد. نابرابری، ترکیب استفاده از عوامل و سهم آنها از منافع تولید خواهد بود. نابرابری حتی در لحظه‌ی مصرف و همچنین مبادله‌ی محصول نهایی نیز انعکاس دارد. در برابر دیدگاه کسانی مانند «لوکاس» که توجه به نابرابری را به‌ویژه در قالب توزیع مجدد بیان می‌دارند، افرادی همانند «جان راینسون» دیدگاه سومی برای اقتصاد سالم ارائه می‌کنند. افرادی همانند راینسون معتقد هستند که همه‌ی وعده‌های اقتصاد رقابتی کامل، منوط و مشروط به عدالت و برابری است. از دیدگاه راینسون سه عنصر کارآیی، بهره‌وری و بهینگی در تولید اقتصادی منحصراً در شرایط برابر و رقابت عادلانه قابلیت تحقق می‌یابد (مؤمنی، ۱۳۹۶، ص ۱۴).

از سویی دیگر، درک فرآیند مشارکت سیاسی و اجتماعی ایران، رابطه‌ی مستقیم با شکل‌بندی‌های اجتماعی و ساختاری جامعه‌ی ایران دارد. موضوع تفکیک قوا و نقش‌یابی گروه‌های اجتماعی بر اساس ضرورت‌های انقلاب مشروطه شکل گرفت. انقلاب مشروطه را می‌توان گام نخستین مشارکت سیاسی و اجتماعی در ایران دانست

که برخی از آزادی‌های مشارکت سیاسی برای زنان را به وجود آورد. بر اساس دیدگاه نظریه پردازان نوگرا، نقش‌یابی، عامل فزاینده‌ی مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان خواهد بود. واقعیت آن است که جامعه‌ی ایرانی به لحاظ میزان مشارکت سیاسی در دوران مشروطه به بعد، بحران‌های فکری، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی متفاوتی را تجربه و سپری کرده است (لکزایی و زارعی، ۱۴۰۰، ص ۱۳۳).

در دوران پیش از انقلاب اسلامی ایران، نقطه عطف شروع مشارکت سیاسی زنان، انقلاب سفید بود. اگرچه مشارکت سیاسی زنان بعد از انقلاب سفید شکل گرفت، اما ساخت اجتماعی و سیاسی ایران، فضای چندانی برای مشارکت انتخاباتی فراهم نمی‌کرد. در دوره‌ی پهلوی دوم، غیر از یک دوره‌ی کوتاه، فضای نسبتاً باز سیاسی در سال‌های ۳۲-۱۳۲۰ به وجود آمد. درحالی‌که چنین روندی پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تغییر پیدا کرد و ساخت سیاسی ایران با نشانه‌هایی از استبداد اعاده گردید. پرده‌ی آهنین کنترل سیاسی در برابر مخالفان حکومتی شکل گرفت. بسیاری از احزاب سیاسی کارکرد خود را از دست دادند (آبراهامیان، ۱۳۸۴، ص ۵۵۳).

در دوران پسانقلاب اسلامی، هم به لحظ کیفی و هم کمی میزان مشارکت سیاسی زنان افزایش یافت. تاحدی که مشارکت سیاسی یکی از نشانه‌های اصلی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران برای کنترل افکار عمومی تلقی شد. مشارکت سیاسی می‌تواند ظرفیت‌های نرم هر کشور در فضای قدرت‌سازی را ارتقاء دهد. دیپلماسی عمومی نه تنها در حوزه‌ی سیاست خارجی، بلکه در عرصه‌ی سیاست داخلی از جایگاه و اهمیت مؤثری برخوردار است. مشارکت سیاسی زنان می‌تواند زمینه‌ی لازم برای افزایش قدرت نرم یک کشور را فراهم آورد. در عصر فعالیت شبکه‌های رسانه‌ای متعدد، لازم است تا از مشارکت سیاسی به‌عنوان تلاشی برای جهاد تبیین استفاده شود (نوروزی و جلیلی، ۱۴۰۰، ص ۱۵۵).

انقلاب اسلامی ایران نقطه‌ی عطفی در تحولات سیاسی و الگوی مشارکت اجتماعی در ایران محسوب می‌شود. اگرچه انقلاب اسلامی زیرساخت‌های تشکیل حکومت اسلامی در دوره‌ی غیبت امام معصوم علیه السلام را به وجود آورد، اما برای مشروعیت خود

نیازمند استدلال عقلی و نقلی است. افرادی همانند آیت‌الله طالقانی، آیت‌الله مطهری و آیت‌الله نائینی، تفسیر دقیقی از توحید عملی را بر اساس الگوی مشارکت گروه‌های اجتماعی بیان داشته‌اند (مطهری، ۱۳۷۰، ص ۴۲). قانون اساسی و برنامه‌های توسعه‌ی ایران که بعد از انقلاب ۱۳۵۷ تدوین و اجرا شد، بر اساس تحولات سیاسی و بر مبنای نظام سیاسی جمهوری اسلامی شکل گرفته‌اند. با وجود آن که قانون اساسی و ۶ برنامه‌ی توسعه، بر کاهش انواع مختلف نابرابری تأکید کرده‌اند، به نظر می‌رسد در عمل، نتایج دیگری حاصل شده است. این نکته را نباید فراموش کرد که سیاست‌های اقتصادی دولت در دو وجه مکانی و طبقاتی عاملی تأثیرگذار بر شدت و ضعف شکاف‌های اقتصادی و اجتماعی بوده و منازعات پیدا و پنهان ناشی از آن، هر بار به شکلی سر برآورده است. مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان را می‌توان یکی از منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران دانست. مشارکت سیاسی از این جهت اهمیت دارد که زمینه‌ی لازم برای حداکثرسازی مشروعیت سیاسی و اجتماعی کشورها را فراهم می‌آورد. ایران به همان گونه که از قابلیت لازم برای اثرگذاری در فضای اجتماعی برخوردار است، قادر خواهد بود تا شرایط عمومی برای اثربخشی در محیط پیرامونی و منطقه‌ای را در دستور کار قرار دهد. هرگاه کشوری در ساخت داخلی خود با نشانه‌هایی از مشارکت و مشروعیت همراه باشد، در عرصه‌ی منطقه‌ای و بین‌المللی نیز قادر خواهد بود تا نتایج مؤثرتری را در فضای اجتماعی به دست آورد (نوروزی فیروز و جلیلی، ۱۴۰۰، ص ۱۵۹).

در مجموع می‌توان گفت که تطورات هویتی زنانه در ایران متأثر از حوادثی نظیر تأثیرپذیری ایران از جهان مدرن، تغییراتی نظیر انقلاب اسلامی ایران و ... بوده است که موجب شده است در مجموع یک هویت خاص زنانه و ترکیبی در ایران شکل بگیرد و مشارکت سیاسی زنان را متأثر از خود کند.

۴. یافته‌های تحلیلی و تجربی پژوهش

یافته‌های پژوهش در این مقاله بر اساس قالب‌های هویت و مشارکت سیاسی زنان تبیین

شده است. روش تبیین کار ماهیت پیمایشی داشته است. روش پیمایش بر اساس گردآوری اطلاعات درباره‌ی میزان و فرآیند مشارکت انتخاباتی زنان شکل گرفته و بر اساس آن زمینه برای تنظیم پرسش‌نامه به وجود آمده است. یافته‌های پژوهش را می‌توان به شرح ذیل تبیین نمود:

۴-۱. سن پاسخ‌گویان

۴۰ نفر یا ۱۰.۶ درصد پاسخ‌گویان بین ۲۹-۲۰ سال، ۱۰۶ نفر یا ۲۸ درصد بین ۳۹-۳۰ سال، ۱۳۰ نفر یا ۳۴.۳ درصد بین ۴۹-۴۰ سال، ۷۴ نفر یا ۱۹.۵ درصد بین ۵۹-۵۰ سال، و ۲۹ نفر یا ۷.۷ درصد ۶۰ سال به بالا سن داشته‌اند. تقریباً ۶۲ درصد پاسخ‌گویان بین ۳۰ تا ۴۹ سال سن داشته‌اند (جدول شماره ۱-۱).

جدول شماره (۱-۱): سن پاسخ‌گویان

سن	تعداد	درصد
۲۹-۲۰ ساله	۴۰	۱۰.۶
۳۹-۳۰ ساله	۱۰۶	۲۸
۴۹-۴۰ ساله	۱۳۰	۳۴.۳
۵۹-۵۰ ساله	۷۴	۱۹.۵
۶۰ سال به بالا	۲۹	۷.۷
جمع	۳۷۹	۱۰۰

۴-۲. تحصیلات پاسخ‌گویان

وضعیت تحصیلات پاسخ‌گویان این تحقیق به این صورت بوده که ۱۱ نفر یا ۲.۹ درصد دارای مدرک لیسانس، ۲۳۹ نفر یا ۶۳.۱ درصد فوق لیسانس و ۱۲۹ نفر یا ۳۴ درصد دارای مدرک دکترا بوده‌اند (جدول شماره ۱-۲).

جدول شماره (۲-۱): وضعیت تحصیلات پاسخ‌گویان

سطح تحصیلات	تعداد	درصد
لیسانس	۱۱	۲.۹
فوق لیسانس	۲۳۹	۶۳.۱
دکتر	۱۲۹	۳۴
جمع	۳۷۹	۱۰۰

۳-۴. وضعیت تأهل

وضعیت تأهل پاسخ‌گویان به این صورت بوده که ۱۱۰ نفر یا ۲۹ درصد آنها مجرد، ۲۳۰ نفر یا ۶۰.۷ درصد متأهل، ۲۲ نفر یا ۵.۸ درصد بیوه، و ۱۷ نفر یا ۴.۵ درصد مطلقه بودند (جدول شماره ۳-۱).

جدول شماره (۳-۱): وضعیت تأهل پاسخ‌گویان

وضعیت تأهل	تعداد	درصد
مجرد	۱۱۰	۲۹
متأهل	۲۳۰	۶۰.۷
بیوه	۲۲	۵.۸
مطلقه	۱۷	۴.۵
جمع	۳۷۹	۱۰۰

۴-۴. وضعیت شغلی پاسخ‌گویان

وضعیت شغلی پاسخ‌گویان به این صورت بود که ۱۴۴ نفر یا ۳۸ درصد شغل اداری داشته، ۷۲ نفر یا ۱۹ درصد معلم بوده، ۷۰ نفر یا ۱۸.۵ درصد مدیر، ۳۴ نفر یا ۹ درصد معاون، ۱۴ نفر یا ۳.۷ درصد مشاور، ۳۱ نفر یا ۸.۲ درصد مراقب سلامت، و ۹ نفر یا ۲.۴

درصد هم سرپرست کارگاه بوده‌اند. ۵ نفر یا ۱.۳ درصد هم به این سؤال پاسخ ندادند (جدول شماره ۱-۴).

جدول شماره (۱-۴): نوع شغل پاسخگویان

نوع شغل	تعداد	درصد
اداری	۱۴۴	۳۸
معلم	۷۲	۱۹
مدیر	۷۰	۱۸.۵
معاون	۳۴	۹
مشاور	۱۴	۳.۷
مراقب سلامت	۳۱	۸.۲
سرپرست کارگاه	۹	۲.۴
بی جواب	۵	۱.۳
جمع	۳۷۹	۱۰۰

۴-۵. تحلیل توصیفی هویت فردی

در جدول شماره ۲-۱ آمارهای توصیفی گویه‌های هویت فردی آورده شده است. تعداد کلی این گویه‌ها ۲۲ می‌باشد. تعداد، کم‌ترین، بیش‌ترین، میانگین، و انحراف معیار هر کدام از گویه‌های متغیر هویت فردی پاسخ‌گویان، آمارهایی است که آورده شده است. تنها یکی از گویه‌ها میانگینی بالاتر از ۳ داشته و بقیه گویه‌ها میانگینی بین ۲ تا ۲/۹۴ داشته‌اند (جدول شماره ۲-۱) در این جدول هم آمارهای مربوط به جمع گویه‌ها آورده شده است که شاخص هر بُعد هویت فردی را تشکیل می‌دادند. بالاترین میانگین از بین این پنج بُعد مربوط به بُعد ساختاری هویت فردی ۱۳/۷۶ و کم‌ترین، مربوط به بُعد آینده‌ی هویت فردی ۷/۳۲ می‌باشد. میانگین کلی هویت فردی هم برابر با ۴۹/۸ است.

جدول شماره (۱-۲): آمارهای توصیفی گویه‌های متغیر هویت فردی

انحراف معیار	میانگین	بیش‌ترین	کم‌ترین	تعداد	گویه‌های هویت فردی
.۹۰۶	۳.۴۸	۴	۰	۳۷۹	اینکه بدانم چه کسی هستم، زمینه را برای آن‌چه می‌خواهم بشوم فراهم می‌کند.
.۸۴۳	۲.۸۱	۴	۰	۳۷۹	من مطمئنم که خودم را می‌شناسم.
.۹۱۹	۲.۶۲	۴	۰	۳۷۹	من خودم را قبول دارم.
۱.۰۵۳	۲.۴۳	۴	۰	۳۷۹	احساسم این است که از امروز تا فردا خودم هستم.
۱.۱۸۳	۲.۴۲	۴	۰	۳۷۹	با خودم و هویتم مشکلی ندارم
۱.۱۱۱	۲.۲۴	۴	۰	۳۷۹	در مورد این‌که در آینده چه کار خواهم کرد، بلا تکلیف هستم.
۱.۰۹۷	۲.۲۴	۴	۰	۳۷۹	نمی‌دانم که آینده برای من چه در چنته دارد
۱.۱۰۳	۲.۳۲	۴	۰	۳۷۹	من آینده ملموسی را پیش روی خود ندارم
۱.۲۷۵	۲.۲۲	۴	۰	۳۷۹	من هدف‌هایی که خودم برای زندگی‌ام ساخته باشم ندارم
۱.۰۳۹	۲.۵۸	۴	۰	۳۷۹	من فردی هدفمند هستم.
۱.۱۱۱	۲.۳۷	۴	۰	۳۷۹	من به دنبال ترسیم اهداف و سپس انجام تلاش سخت برای رسیدن به آنها هستم.
۱.۱۲۱	۲.۳۷	۴	۰	۳۷۹	یکی از نقاط قوت من، خودانگیزی بر مبنای احساسی که از خودم دارم می‌باشد.

انحراف معیار	میانگین	بیشترین	کمترین	تعداد	گویه‌های هویت فردی
۰.۹۶۰	۲.۹۴	۴	۰	۳۷۹	ارزش‌ها و اعتقادات من، بازتابی دقیق از آنچه من هستم، می‌باشند.
۱.۰۲۸	۲.۴۱	۴	۰	۳۷۹	ارزش‌ها و اعتقادات من، چیزهای زیادی در مورد آنچه من هستم بیان می‌کنند.
۱.۰۹۹	۲.۱۵	۴	۰	۳۷۹	ارزش‌ها و اعتقادات من، در هماهنگی با تعهداتی که در این زمان برای خودم ترسیم کرده‌ام می‌باشند.
۱.۱۰۷	۲.۳۳	۴	۰	۳۷۹	من می‌پذیرم که ارزش‌ها و اعتقادات من با شخصی که من فهمیدم باید باشم، در هماهنگی است.
۱.۱۵۴	۲.۳۸	۴	۰	۳۷۹	من معتقدم که ارزش‌ها و اهداف من با اقدامات من سازگار است
۰.۹۳۲	۲.۳۵	۴	۰	۳۷۹	به نظر می‌آید بخش بزرگی از من، در توافق با آرزوهای والدینم می‌باشد.
۱.۰۹۱	۲.۱۴	۴	۰	۳۷۹	زندگی من از طریق تطبیق با ارزش‌های والدینم، معنادار شده است.
۱.۲۱۴	۲.۰۲	۴	۰	۳۷۹	به نظر می‌رسد که من به‌طور منفعلانه، ارزش‌ها و باورهای دیگران را می‌پذیرم.

انحراف معیار	میانگین	بیشترین	کمترین	تعداد	گویه‌های هویت فردی
۱.۱۰۶	۲.۳۴	۴	۰	۳۷۹	ترجیح می‌دهم که طبق استانداردهای معمول رفتار کنم تا این که به دنبال ابراز عقاید خودم باشم.
۱.۱۵۴	۲.۳۴	۴	۰	۳۷۹	هر چند من تحت تأثیر دیگران هستم، اما تصمیم‌های مستقل خودم را می‌گیرم.

جدول شماره (۲-۲): آمارهای توصیفی شاخص هویت فردی

انحراف معیار	میانگین	بیشترین	کمترین	تعداد	ابعاد هویت
۳/۸۷	۱۳/۷۶	۲۰	۰	۳۷۹	بُعد ساختاری هویت فردی
۲/۹۴	۷/۳۲	۱۲	۰	۳۷۹	بُعد آینده‌ی هویت فردی
۴	۱۲/۲۰	۲۰	۰	۳۷۹	بُعد اهداف هویت فردی
۳/۸۵	۹	۱۶	۰	۳۷۹	بُعد هماهنگی هویت فردی
۳/۷۷	۱۱/۱۸	۲۰	۰	۳۷۹	بُعد کنترل هویت فردی
۷/۵۱	۴۹/۸	۷۶	۳۰	۳۷۹	هویت فردی

۴-۶. بُعد ساختاری هویت فردی

در جدول شماره ۲-۳ دیدگاه پاسخ‌گویان در مورد بُعد ساختاری هویت فردی آورده شده است. این بُعد، دارای پنج گویه است که در پی سنجش میزان قبول خود فرد از جانب خودش می‌باشد. این بُعد در پی فراهم آوردن ساختاری برای فهمیدن این که شخص چه کسی است، می‌باشد. یافته‌ها نشان می‌دهد که در مورد دو گویه‌ی اول، درصد بالایی از پاسخ‌گویان، نظر موافق و کاملاً موافق با این گویه داشته‌اند (به

ترتیب ۸۸ و ۷۳ درصد). گویهی سوم هم ۵۶ درصد موافق و کاملاً موافق داشته اما دو گویهی چهارم و پنجم، زیر ۵۰ درصد موافق و کاملاً موافق داشته است. (ب) اهداف (ج) کنترل د) هماهنگی ه) آینده

جدول شماره (۲-۳): دیدگاه پاسخگویان در مورد بُعد ساختاری هویت فردی

گویه ها	کاملاً موافقم	موافقم	بینابین	مخالفم	کاملاً مخالفم	جمع
اینکه بدانم چه کسی هستم، زمینه را برای آنچه می خواهم بشوم فراهم می کند.	۲۵۶	۷۸	۲۱	۱۹	۵	۳۷۹
	۶۷.۵	۲۰.۶	۵.۵	۵	۱.۳	۱۰۰
من مطمئنم که خودم را می شناسم.	۶۳	۲۱۶	۷۰	۲۴	۶	۳۷۹
	۱۶.۶	۵۷	۱۸.۵	۶.۳	۱.۶	۱۰۰
من خودم را قبول دارم.	۶۶	۱۴۷	۱۲۹	۳۱	۶	۳۷۹
	۱۷.۴	۳۸.۸	۳۴	۸.۲	۱.۶	۱۰۰
احساسم این است که از امروز تا فردا خودم هستم.	۶۷	۱۱۱	۱۳۳	۵۴	۱۴	۳۷۹
	۱۷.۷	۲۹.۳	۳۵.۱	۱۴.۲	۳.۷	۱۰۰
با خودم و هویتم مشکلی ندارم	۸۴	۱۰۳	۱۰۶	۶۲	۲۴	۳۷۹
	۲۲.۲	۲۷.۲	۲۸	۱۶.۴	۶.۳	۱۰۰

۴-۷. تحلیل توصیفی مشارکت سیاسی

مشارکت سیاسی و انتخاباتی زنان با ۲۴ گویه سنجیده شد. در مورد شرکت در انتخابات ریاست جمهوری، ۲۴/۳ درصد گفته بودند که اصلاً شرکت نکرده اند، ۳۰/۶ درصد کم، ۳۵/۶ تا حدودی، و زیاد و خیلی زیاد تنها ۹/۵ درصد بوده است. با نگاهی به

جداول شماره ۲-۴ و ۲-۵ می‌توان نتیجه گرفت که در کل، مشارکت پاسخ‌گویان در زمینه‌های مختلف بسیار ضعیف بوده است.

جدول شماره (۲-۴): مشارکت سیاسی مرسوم پاسخگویان

گوبه‌ها	اصلا	کم	تا حدودی	زیاد	خیلی زیاد	جمع
انتخابات ریاست جمهوری	۹۲	۱۱۶	۱۳۵	۲۱	۱۵	۳۷۹
	۲۴.۳	۳۰.۶	۳۵.۶	۵.۵	۴	۱۰۰
انتخابات مجلس	۶۷	۸۳	۱۶۳	۵۳	۱۳	۳۷۹
	۱۷.۷	۲۱.۹	۴۳	۱۴	۳.۴	۱۰۰
انتخابات شورای اسلامی	۸۱	۶۹	۱۲۶	۸۰	۲۳	۳۷۹
	۲۱.۴	۱۸.۲	۳۳.۲	۲۱.۱	۶.۱	۱۰۰
انتخابات مجلس خبرگان	۷۳	۷۸	۱۳۴	۶۹	۲۵	۳۷۹
	۱۹.۳	۲۰.۶	۳۵.۴	۱۸.۲	۶.۶	۱۰۰
راهپیمایی‌هایی عمومی همچون ۲۲ بهمن	۸۶	۸۰	۱۱۶	۶۲	۳۵	۳۷۹
	۲۲.۷	۲۱.۱	۳۰.۶	۱۶.۴	۹.۲	۱۰۰
تشویق دیگران به فعالیت در ستادهای انتخاباتی	۹۰	۸۵	۱۳۱	۴۹	۲۴	۳۷۹
	۲۳.۷	۲۲.۴	۳۴.۶	۱۲.۹	۶.۳	۱۰۰
نامه‌نگاری با مسئولان رسمی و سیاسی	۱۱۲	۷۳	۱۱۹	۴۶	۲۹	۳۷۹
	۲۹.۶	۱۹.۳	۳۱.۴	۱۲.۱	۷.۷	۱۰۰
نامه‌نگاری با سردبیران روزنامه‌ها در ارتباط با مسائل سیاسی	۱۱۷	۷۹	۱۰۷	۳۴	۴۲	۳۷۹
	۳۰.۹	۲۰.۸	۲۸.۲	۹	۱۱.۱	۱۰۰
نوشتن مطالب سیاسی در موافقت یا مخالفت با دیگران	۱۲۲	۷۳	۱۰۸	۵۲	۲۴	۳۷۹
	۳۲.۲	۱۹.۳	۲۸.۵	۱۳.۷	۶.۳	۱۰۰

گویه ها	اصلا	کم	تا حدودی	زیاد	خیلی زیاد	جمع
نوشتن شعار سیاسی بر روی اسکناس، معابر، دیوارها و...	۱۳۱	۶۴	۱۰۴	۴۰	۶۴	۳۷۹
	۳۴.۶	۱۶.۹	۲۷.۴	۱۰.۶	۱۶.۹	۱۰۰
شرکت در جلسه، سخنرانی یا مناظره‌ی سیاسی عمومی	۱۲۰	۶۹	۱۰۷	۵۴	۲۹	۳۷۹
	۳۱.۷	۱۸.۲	۲۸.۲	۱۴.۲	۷.۷	۱۰۰
عضویت در یک تشکل، انجمن، حزب سیاسی یا مانند آنها	۱۳۷	۴۹	۱۱۱	۴۶	۳۶	۳۷۹
	۳۶.۱	۱۲.۹	۲۹.۳	۱۲.۱	۹.۵	۱۰۰

جدول شماره (۲-۵): مشارکت سیاسی مرسوم پاسخگویان

گویه ها	اصلا	کم	تا حدودی	زیاد	خیلی زیاد	جمع
نوشتن مقاله یا یادداشتی در روزنامه یا مجله محلی یا سراسری	۸۷	۷۴	۱۶۸	۳۷	۱۳	۳۷۹
	۲۳	۱۹.۵	۴۴.۳	۹.۸	۳.۴	۱۰۰
خرید مجله یا روزنامه‌های مربوط به گروه‌های سیاسی	۸۸	۸۲	۱۳۱	۶۰	۱۸	۳۷۹
	۲۳.۲	۲۱.۶	۳۴.۶	۱۵.۸	۴.۷	۱۰۰
تلاش برای تغییر دیدگاه‌های دیگران در مورد مسائل سیاسی	۸۳	۸۹	۱۳۰	۵۴	۲۳	۳۷۹
	۲۱.۹	۲۳.۵	۳۴.۳	۱۴.۲	۶.۱	۱۰۰
پوشیدن و استفاده از سمبول‌های سیاسی برای مقاصد سیاسی	۹۹	۸۰	۱۲۰	۵۱	۲۹	۳۷۹
	۲۶.۱	۲۱.۱	۳۱.۷	۱۳.۵	۷.۷	۱۰۰

گویه‌ها	اصلا	کم	تا حدودی	زیاد	خیلی زیاد	جمع
شرکت در اعتراضات، تظاهرات، تجمعات	۱۰۰	۸۸	۱۰۷	۴۹	۳۵	۳۷۹
عدم خرید اموال یا جنس خاص به دلایل سیاسی (تحریم خرید)	۲۶.۴	۲۳.۲	۲۸.۲	۱۲.۹	۹.۲	۱۰۰
بیان نظرات در جلسات سیاسی	۱۰.۷	۱۲۹	۱۲۲	۱۲	۹	۳۷۹
ملاقات و گفت‌وگو با مسئولین رسمی و سیاسی کشور	۲۸.۲	۳۴	۳۲.۲	۳.۲	۲.۴	۱۰۰
تماس تلفنی یا ارسال نامه به برنامه‌های تلویزیونی یا رادیویی برای بیان نظرات سیاسی	۷۳	۸۴	۱۳۸	۷۰	۱۴	۳۷۹
شرکت در جلسه یا مباحثه‌ی سیاسی غیررسمی	۱۹.۳	۲۲.۲	۳۶.۴	۱۸.۵	۳.۷	۱۰۰
کمک مالی برای امور سیاسی	۹۰	۶۴	۱۰۷	۸۲	۳۶	۳۷۹
دنبال نمودن اخبار، اطلاعات و وقایع سیاسی	۲۳.۷	۱۶.۹	۲۸.۲	۲۱.۶	۹.۵	۱۰۰
شرکت در جلسه یا مباحثه‌ی سیاسی غیررسمی	۹۴	۸۱	۱۰۸	۶۶	۳۰	۳۷۹
کمک مالی برای امور سیاسی	۲۴.۸	۲۱.۴	۲۸.۵	۱۷.۴	۷.۹	۱۰۰
دنبال نمودن اخبار، اطلاعات و وقایع سیاسی	۹۸	۸۳	۱۰۶	۵۸	۳۴	۳۷۹
دنبال نمودن اخبار، اطلاعات و وقایع سیاسی	۲۵.۹	۲۱.۹	۲۸	۱۵.۳	۹	۱۰۰
دنبال نمودن اخبار، اطلاعات و وقایع سیاسی	۱۱۱	۷۴	۱۰۳	۵۹	۳۲	۳۷۹
دنبال نمودن اخبار، اطلاعات و وقایع سیاسی	۲۹.۳	۱۹.۵	۲۷.۲	۱۵.۶	۸.۴	۱۰۰
دنبال نمودن اخبار، اطلاعات و وقایع سیاسی	۷۵	۸۳	۱۲۸	۵۵	۳۸	۳۷۹
دنبال نمودن اخبار، اطلاعات و وقایع سیاسی	۱۹.۸	۲۱.۹	۳۳.۸	۱۴.۵	۱۰	۱۰۰

۴-۸. مشارکت انتخاباتی زنان در فضای کنش غیر مرسوم

این نوع مشارکت که بیان‌گر مشارکت اعتراضی می‌باشد، با ۴ گویه مورد سنجش قرار گرفت. تحریم انتخابات یکی از این نوع مشارکت‌ها بود. پاسخ‌ها چنین بود، ۱۲/۷ درصد اصلاً، ۱۵/۸ کم، ۴۵/۶ تا حدودی، ۱۷/۹ درصد زیاد، و ۷/۹ درصد خیلی زیاد

انتخابات را تحریم کرده‌اند. در مورد انداختن رأی باطله ۱۷/۹ درصد گفته اصلاً، ۱۷/۹ درصد کم، ۳۴/۶ درصد تا حدودی، ۲۳/۲ درصد زیاد، و ۶/۳ درصد خیلی زیاد. در مورد گویه‌ی سوم، ترغیب به عدم مشارکت در جلسات سیاسی، ۱۸/۷ درصد اصلاً، ۱۹ درصد کم، ۳۲/۷ درصد تا حدودی، ۲۰/۱ درصد زیاد، و ۹/۵ درصد خیلی زیاد. در مورد گویه‌ی آخر ۲۴/۳ درصد اصلاً، ۲۱/۹ درصد کم، ۳۰/۳ درصد تا حدودی، ۱۵/۸ درصد زیاد، و ۷/۷ درصد اصلاً (جدول شماره ۲-۶).

جدول شماره (۲-۶): مشارکت سیاسی غیر مرسوم پاسخ‌گویان

گویه‌ها	اصلا	کم	تا حدودی	زیاد	خیلی زیاد	جمع
تحریم انتخابات به منظور نشان دادن اعتراض سیاسی	۴۸	۶۰	۱۷۳	۶۸	۳۰	۳۷۹
	۱۲.۷	۱۵.۸	۴۵.۶	۱۷.۹	۷.۹	۱۰۰
انداختن رأی باطله	۶۸	۶۸	۱۳۱	۸۸	۲۴	۳۷۹
	۱۷.۹	۱۷.۹	۳۴.۶	۲۳.۲	۶.۳	۱۰۰
ترغیب به عدم مشارکت در جلسات سیاسی	۷۱	۷۲	۱۲۴	۷۶	۳۶	۳۷۹
	۱۸.۷	۱۹	۳۲.۷	۲۰.۱	۹.۵	۱۰۰
ترغیب به عدم مشارکت در اعتراضات یا تجمعات	۹۲	۸۳	۱۱۵	۶۰	۲۹	۳۷۹
	۲۴.۳	۲۱.۹	۳۰.۳	۱۵.۸	۷.۷	۱۰۰

نتیجه‌گیری

مشارکت انتخاباتی در شرایطی شکل می‌گیرد که نشانه‌هایی از هویت به وجود آید. هویت، واقعیت اصلی کنش انتخاباتی شهروندان است. بررسی فعالیت و مشارکت انتخاباتی زنان در ایران بیان‌گر این واقعیت است که روند مشارکت انتخاباتی در سال‌های بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به گونه‌ی قابل توجهی افزایش پیدا کرده است. از سوی دیگر، هرگونه مشارکت انتخاباتی، رابطه‌ی مستقیم با قالب‌های هویتی زنان

داشته است. هویت زنان مبتنی بر متغیرهای زمینه‌ای، متغیرهای فردی و متغیرهای هویتی اجتماعی است. در این پژوهش، برای شناسایی رابطه بین هویت و مشارکت انتخاباتی زنان چهار متغیر زمینه‌ای یعنی سن، تحصیلات، وضعیت تأهل و نوع شغل؛ پنج متغیر هویت فردی یعنی بُعد ساختاری، بُعد آینده، بُعد اهداف، بُعد هماهنگی و بُعد کنترل؛ و پنج متغیر هویت اجتماعی یعنی هویت ملی، دینی، قومی، گروهی و جنسی، برای تبیین مشارکت سیاسی وارد معادله‌ی رگرسیون چندمتغیره به روش گام‌به‌گام شدند. نتایج حاصله در جدول شماره ۳۴-۴ آورده شده است. طوری که نتایج نشان می‌دهد، از بین این چهارده متغیر، تنها چهار متغیر وارد تحلیل رگرسیونی به روش گام‌به‌گام شده و توانسته‌اند ۳۱ درصد واریانس متغیر وابسته را تبیین کنند.

در مرحله‌ی اول، بُعد اهداف هویت فردی وارد معادله شد و توانست ۱۹/۴ درصد متغیر وابسته را تبیین کند ($R^2=0.194$). در مرحله‌ی دوم، متغیر هویت جنسی هویت اجتماعی وارد شده و ۵/۶ درصد به قدرت تبیین‌کنندگی مدل افزود و آن را به ۲۵ درصد رساند ($R^2=0.250$). در مرحله‌ی سوم، بُعد آینده که از شاخص‌های هویت فردی است وارد معادله شده و ۴/۵ درصد به قدرت تبیین‌کنندگی افزود و آن را به ۲۹/۵ درصد رساند ($R^2=0.295$). در مرحله‌ی آخر، متغیر زمینه‌ای سن وارد معادله شده و تنها ۱/۵ درصد به قدرت تبیین‌کنندگی افزود ($R^2=0.310$).

بنابراین می‌توان گفت که این چهار فاکتور هویتی در میان مؤثرترین عناصر تشکیل‌دهنده‌ی هویت زنانه نقش آفرینی دارند و فرازوفرود مشارکت سیاسی در همه‌ی ابعاد ایجابی و انتقادی آن متأثر از همین متغیرها می‌باشد. در این صورت اگر در فضای تصمیم‌سازی و همراه‌شدن با متغیرهای تشکیل‌دهنده‌ی هویت زنانه، بتوان فرایندی را ترسیم کرد که بر این متغیرها اثر مثبت داشته باشد، می‌توان امیدوار بود که سطح مشارکت سیاسی زنان با افزایش میزان هویت فردی، هویت جنسی، و بعد آینده، تغییر چشم‌گیری داشته باشد. نهادهای مؤثر و کنش‌گر در فضای اجتماعی و سیاسی می‌توانند با توجه به این متغیرهای نقش‌دهنده و مؤثر بر هویت زنانه در ایران، سیاست‌گذاری متناسب با آن را در پیش گیرند.

فهرست منابع

- آبراهامیان، ی. (۱۳۸۴). ایران بین دو انقلاب. (مترجم: ا. گل محمدی و م. فتاحی). تهران: نشر نی.
- ابونوری، ع.؛ مفتاح، س.؛ پرهیزی گشتی، ه. (۱۳۸۹). تجزیه و تحلیل اثر تورم بر توزیع درآمد در ایران تحلیل مقایسه‌ای مناطق شهری و روستایی ایران. اقتصاد مالی، شماره ۱۳، صص ۷۷-۹۶.
- پناهی، م.ح.؛ حسینی، س. (۱۳۹۴). فرهنگ سیاسی و مشارکت سیاسی زنان. علوم اجتماعی، شماره ۶۸، صص ۳۵-۷۸.
- چابکی، ا. (۱۳۸۱). نقش عوامل روان‌شناختی در مشارکت سیاسی زنان. علوم اجتماعی، ۹(۱۹)، صص ۱۰۷-۱۳۵.
- خواجه نوری، ب.؛ پرنیان، ل.؛ همت، ص. (۱۳۹۳). مطالعه رابطه سبک زندگی و هویت اجتماعی: مطالعه موردی: جوانان شهر بندرعباس. تحقیقات فرهنگی ایران، ۱۷(۱)، صص ۶۹-۹۴.
- دلفروز، م.ت. (۱۳۹۳). دولت و توسعه اقتصادی: اقتصاد سیاسی توسعه در ایران و دولت‌های توسعه‌گرا. تهران: نشر آگاه.
- راغفر، ح.؛ خوشدست، ف.؛ یزدان پناه، م.؛ (۱۳۹۱). اندازه‌گیری نابرابری درآمد در ایران از ۱۳۶۳ تا ۱۳۸۹. رفاه اجتماعی، ۱۲(۴۵)، صص ۲۴۱-۲۶۶.
- زنجانی‌زاده، ه. (۱۳۸۱). مشارکت سیاسی زنان و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن، چالش‌های نوین. علوم اجتماعی، ۹(۱۹)، صص ۸۹-۱۰۶.
- ساروخانی، ب.؛ رفعت‌جاه، م. (۱۳۸۳). زنان و بازتعریف هویت اجتماعی. جامعه‌شناسی ایران، ۵(۲)، صص ۱۶۰-۱۳۳.
- عجم‌اوغلو، د.؛ رایبسون، ج. (۱۳۹۲). چرا کشورها شکست می‌خورند؟. (مترجم: پ. جبل‌عاملی و م.ر. فرهادی‌پور). نشر دنیای اقتصاد.

- کاستلز، م. (۱۳۸۴). عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ، قدرت هويت. (مترجم: ح. چاووشیان، ا. افشین خاکباز). تهران: طرح نو.
- لاولر، ا. (۱۳۹۸). هويت، دیدگاه‌های جامعه‌شناختی. (مترجم: م. نیازی و د. یعقوبی). تهران: اندیشه احسان.
- لفت‌ویچ، آ. (۱۳۸۵). دولت‌های توسعه‌گرا، پیرامون اهمیت سیاست در توسعه. (مترجم: ح. افشاری کهن). تهران: نشر مردییز؛ نشر نی نگار.
- لک‌زایی، ش.؛ زارعی، ب. (۱۴۰۰). بررسی تطبیقی حکومت در اندیشه سیاسی نائینی و مطهری. علوم سیاسی، ۲۴(۹۵)، صص ۱۴۰-۱۱۷.
- لهستانی‌زاده، ع.ع.؛ باور، ی. (۱۳۸۱). نگرش دانشجویان نسبت به مشارکت سیاسی زنان. علوم اجتماعی، ۹(۱۹)، صص ۱۴۹-۱۳۷.
- محمدی اصل، ع. (۱۳۸۲). جنسیت و مشارکت: درآمدی بر جامعه‌شناسی مشارکت سیاسی زنان ایرانی. تهران: نشر روشنگران و مطالعات زنان.
- مطهری، م. (۱۳۷۰). امامت و رهبری. قم: انتشارات صدرا.
- موحد، م. (۱۳۸۲). مشارکت سیاسی زنان و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن. مطالعات زنان، ۱(۳)، صص ۱۰۶-۸۶.
- مومنی، ف. (۱۳۹۶). عدالت اجتماعی، آزادی و توسعه در ایران امروز. تهران: نشر نقش و نگار.
- نوروزی فیروز، ر.؛ جلیلی، م. (۱۴۰۰). کاربست قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در دیپلماسی عمومی با کشورهای رقیب. علوم سیاسی، ۲۴(۹۵)، صص ۱۴۱-۱۶۶.
- Habermas, J. (1991). *The structural transformation of the public sphere*. Cambridge Mass: MIT Press.

References

- Abrāhāmīān, Y. (1384 AH). *Iran Between Two Revolutions*. (A. Golmohammadi & M. Fattahi, Trans.). Tehran: Ney. [In Persian]
- Abunouri, A., Mofatteh, S., & Parhizigashti, H. (1389 AP). Analysis of the Effect of Inflation on Income Distribution in Iran: A Comparative Analysis of Urban and Rural Areas of Iran. *Financial Economics*, 13, pp. 77-96. [In Persian]
- Ajemoglu, D., & Robinson, J. (1392 AH). *Why Nations Fail*. (P. Jabel-Ameli & M.R. Farhadi-Pour, Trans.). Tehran: Donya-ye-Eghtesad. [In Persian]
- Castells, M. (1384 AH). *The Information Age: Economy, Society, and Culture, The Power of Identity*. (H. Chavoshian & A. Afshin Khakbaz, Trans.). Tehran: Tarh-e-Now. [In Persian]
- Chaboki, A. (1381 AH). The Role of Psychological Factors in Women's Political Participation. *Social Sciences*, 9(19), pp. 107-135. [In Persian]
- Delfrooz, M. T. (1393 AH). *Government and Economic Development: The Political Economy of Development in Iran and Developmental States*. Tehran: Agah. [In Persian]
- Habermas, J. (1991). *The structural transformation of the public sphere*. Cambridge Mass: MIT Press.
- Khajeh Nouri, B., Parnian, L., & Hemmat, S. (1393 AH). Study of the Relationship between Lifestyle and Social Identity: A Case Study of Youth in Bandar Abbas. *Iranian Cultural Research*, 7(1), pp. -69-94. [In Persian]
- Lakzaei, Sh., & Zarei, B. (1400 AH). A Comparative Study of Governance in the Political Thought of Nayini and Motahhari. *Political Science*, 24(95), pp. -117-140. [In Persian]
- Laufer, A. (1398 AH). *Identity: Sociological Perspectives*. (M. Niazi & D. Ya'ghoubi, Trans.). Tehran: Andisheh Ehsan. [In Persian]
- Leftwich, A. (1385 AH). *Developmental States: The Importance of Politics in Development*. (J. Afshari-Kohan, Trans.). Tehran: Ney-Negar. [In Persian]

- Lehsaezadeh, A. A., & Bavvar, Y. (1381 AH). University Students' Attitudes towards Women's Political Participation. *Social Sciences*, 9(19), pp. 137-149. [In Persian]
- Mohammadi Asl, A. (1382 AH). *Gender and Participation: An Introduction to the Sociology of Iranian Women's Political Participation*. Tehran: Women's Studies . [In Persian]
- Momeni, F. (1396 AH). *Social Justice, Freedom, and Development in Iran Today*. Tehran: Naghsh-o-Negar. [In Persian]
- Motahhari, M. (1370 AH). *Imamate and Leadership*. Qom: Sadra. [In Persian]
- Movahed, M. (1382 AH). Women's Political Participation and Influential Social Factors. *Women's Studies*, 1(3), pp. 86-106. [In Persian]
- Norouzi Firouz, R., & Jalili, M. (1400 AH). The Application of Iran's Soft Power in Public Diplomacy with Rival Countries. *Political Science*, 24(95), pp. 141-166. [In Persian]
- Panahi, M. H., & Hosseini, S. (1394 AH). Political Culture and Women's Political Participation. *Social Sciences*, (68), pp. 35-78. [In Persian]
- Raghfar, H., Khoshdast, F., & Yazdanpanah, M. (1391 AP). Measurement of Income Inequality in Iran from 1363 to 1389. *Social Welfare*, 12(45), pp. 241-266. [In Persian]
- Sarokhani, B., & Rafatjah, M. (1383 AH). Women and the Redefinition of Social Identity. *Iranian Sociology* , 5(2), pp. 160-133. [In Persian]
- Zanjani-Zadeh, H. (1381 AH). Women's Political Participation and Influential Social Factors: New Challenges. *Social Sciences*, 9(19), pp. 89-106. [In Persian]